



## Principles Governing Oil Contracts in the Iranian Legal System

## اصول حاکم بر قراردادهای نفتی در نظام حقوقی ایران

Hadi Zare

Master of Private Law, University of Guilan, Guilan, Iran

هادی زارع

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

hadi.zare.shiraz@gmail.com

### Abstract

One of the most important activities of the Ministry of Oil is the discussion of oil contracts, which is of the greatest importance. Determining the legal framework and contractual form of oil contracts determines the principles and rules governing the contract. Principles that can be fully derived from domestic or international legal systems. Even the investment and conduct of oil operations by the private sector, whether domestic or foreign, is done through oil contracts, and given the important role of general rules, contracts in oil contracts must be interpreted according to the general rules governing them, and ultimately the best type of contract. Be. Examination of oil contracts shows that in these contracts, the primary conflict between the interests of foreign oil companies and the national interests of the host country is evident. A proven confrontation that is now moving towards a kind of participation in decision-making and the sharing of profits and losses from activities. Creating a balance between the interests of the host government and international oil companies has always been a factor in reviewing, transforming and innovating in various oil contracts, and in the implementation of these contracts, technology transfer to the employer, contractors, consultants, equipment manufacturers and Iranian universities and management knowledge and technologies. Updates are transferred to Iranian exploration and production companies.

**Keywords:** Oil Contract, Ownership, Investment, National Interests, Technology Transfer.

### چکیده

از مهم‌ترین فعالیت‌های وزارت نفت، بحث قراردادهای نفتی است که دارای بیشترین درجه از اهمیت است. تعیین چهارچوب حقوقی و قالب قراردادی قراردادهای نفتی، تعیین‌کننده اصول و مقررات حاکم بر قرارداد است. اصولی که کاملاً می‌تواند بر گرفته از نظام حقوق داخلی یا بین‌المللی باشد. حتی سرمایه‌گذاری و انجام عملیات نفتی توسط بخش خصوصی اعم از داخلی یا خارجی از طریق قراردادهای نفتی انجام می‌پذیرد و با توجه به نقش مهم قواعد عمومی قراردادها در قراردادهای نفتی باید بر اساس قواعد عمومی حاکم بر آنها تفسیر شوند و در نهایت بهترین نوع قرارداد برگزیده شود. بررسی قراردادهای نفتی نشانگر آن می‌باشد که در این قراردادها تقابل بدوی منافع شرکت‌های نفتی خارجی و منافع ملی کشور میزبان مشهود است. تقابلی اثبات شده که در حال حاضر به سوی نوعی از مشارکت در تصمیم‌گیری و تقسیم و سهم سود و زیان ناشی از فعالیت سیر می‌کند. ایجاد تعادل و توازن بین منافع دولت میزبان و شرکت‌های نفتی بین‌المللی همواره عامل بازنگری، تحول و نوآوری در انواع قراردادهای نفتی بوده و در اجرای این قراردادها، انتقال فناوری به کارفرما، پیمانکاران، مشاوران، سازندگان تجهیزات و دانشگاه‌های ایرانی محقق و دانش مدیریت و فناوری‌های روزآمد به شرکت‌های اکتشاف و تولید ایرانی منتقل می‌شود.

**واژگان کلیدی:** قرارداد نفتی، مالکیت، سرمایه‌گذاری، منافع ملی، انتقال فناوری.

Received: 2022/05/01 - Review: 2022/07/05 - Accepted: 2022/08/22

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳

ارجاع:

زارع، هادی؛ (۱۴۰۱)، اصول حاکم بر قراردادهای نفتی در نظام حقوقی ایران، تمدن حقوقی، شماره ۱۱.

## Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



## مقدمه

امروزه در دنیای تجارت بین‌الملل، انواع قراردادهای نقش اساسی را ایفاء می‌کنند، از این رو، آثار حقوقی ناشی از انواع قراردادهای ایجاد انگیزه جهت سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز بسیار حائز اهمیت می‌باشند. قراردادهای نفتی همان چهارچوب‌ها هستند که از زمان کشف نفت، به عنوان ابزار رسیدن به منافع مشترک طرفین و تنظیم روابط آن‌ها به کار گرفته شده‌اند. قراردادهای نفتی در ایران در طول تاریخ صنعت نفت همواره موضوع مناقشات فراوانی بوده‌اند. اکتشاف و تولید منابع نفت و گاز دارای ماهیت حساس بوده و همواره دارای عدم قطعیت‌های فراوانی بوده است. شناسایی مخازن زیرزمینی نفت از یک سو و ارزیابی اقتصادی مرتبط با تولید و توسعه میادین نفتی از سوی دیگر دارای ریسک‌ها و مخاطراتی است که چنانچه شناسایی نشود و در زمان عقد قرارداد و سرمایه‌گذاری تمهیدات لازم برای آن‌ها اندیشیده نشود، می‌تواند اثرات جبران ناپذیری را برای سرمایه‌گذار به عنوان پیمانکار و همچنین دولت میزبان به عنوان کارفرما تحمیل کند (شکوهی و سعادت زاده، ۱۴۰۰، ۵۷).

انعقاد قراردادهای نفت و گاز امری کاملاً فنی است که با نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی هر کشور صاحب نفت، ارتباط زیادی دارد. پر واضح است که در کشور ما با وجود ذخایر فراوان نفتی، تعیین مدل قراردادی منطبق با نیازهای کشور و قانون اساسی و در عین حال ضمن ایجاد تعامل اقتصادی با کشورهای مدرن امری ضروری به نظر می‌رسد. بدن شک با تبیین شروط عمومی قراردادهای و شفاف‌سازی آن‌ها، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی، سریع‌تر می‌توانند در زمینه همکاری با

پروژه‌های نفتی مهم، تصمیم‌گیری نموده و مراحل مذاکرات قراردادی که در عمل بسیار طولانی می‌شوند را به کمترین زمان ممکن کاهش داده و در مجموع، بستر حقوقی مناسب‌تری را در این حوزه مهم اقتصادی فراهم آورند.

بیش از صد سال از کشت نفت در کشور ما می‌گذرد و حدود هفتاد سال است که قراردادهای نفتی (اعم از امتیاز، مشارکت، خدمات و...) در بین دولت و شرکت‌های خارجی انعقاد و به اجرا در آمده است. در ابتدا و از زمان انعقاد قراردادهای امتیازی که نظارت نهادهای داخلی کشور میزبان نه تنها بر انعقاد قراردادها کم بود؛ بر اجرای این نوع قراردادها ناچیز بود، با گذشت زمان و بیدار شدن کشورهای جهان سوم، نظارت نهادهای دولتی و عمومی کشور میزبان بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی فزونی یافت. در قراردادهای نفتی با دستاویز قرار دادن اصولی، نظیر اصل قدرت عمومی، اصل خدمات عمومی، اصل منافع عمومی، دولت تا حدودی قواعد حقوق خصوصی را بر هم زده و چهارچوب حقوقی خاصی را ذیل حقوق ترجیحی، حمایتی و اقتداری برای خود تعریف و تشویق کرده است. وجود عناصر حقوق خصوصی به عنوان شرایط صحت قرارداد یا شرایط عمومی قرارداد که خاص کلیه قراردادها است، به برتری آنها نسبت به اصول حقوق عمومی نمی‌انجامد؛ حتی دیده می‌شود که در صورت تعارض بین قواعد حقوق عمومی با قواعد حقوق خصوصی در قراردادهای نفتی، اصول حقوق عمومی حاکمیت دارد (امین زاده و نصراللهی، ۱۳۹۹، ۳۵).

قراردادهای جدید نفتی ایران، جدیدترین نوع قراردادهای نفتی از زمان قرارداد داری تا الان بوده است، این نوع قراردادها که از رسته قراردادهای خدماتی می‌باشند، همواره از زمان طرح دولت یازدهم مورد چالش و با انتقادات جدی مواجه بوده است. این قراردادها در جامع‌ترین شکل خود برخلاف بیع متقابل شامل کلیه دوره‌های اکتشاف، توسعه و تولید می‌گردد. یکی از اهداف مهم انعقاد این قراردادها انتقال فناوری با به کارگیری نیروی ایرانی در هر عملیات و نیز تربیت نیروی انسانی است که طرف خارجی متعهد به این امر می‌گردد. با تصویب شدن آئین نامه تشخیص قراردادهای مهم نفتی در مهرماه ۱۳۹۶ توسط هیأت دولت، در قسمتی از آن وزارت نفت را مکلف نمود در صورت انعقاد یا معاهده با دول خارجی اصل هفتاد و هفتم<sup>۱</sup> قانون اساسی را رعایت نماید.

از جمله نوآوری‌های قراردادهای نفتی جدید می‌توان به شیوه‌های پرداخت حق الزحمه، دستمزد به

۱- عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

شیوه نوین خدماتی، بازپرداخت هزینه‌ها به پیمانکار تا سقف پنجاه درصد عایدات میدان و توسعه دامنه مقررات ایمنی، بهداشتی، زیست‌محیطی و اجتماعی اشاره کرد. در صنعت نفت، قراردادهای متنوعی برای فعالیت‌های گوناگون از قبیل اکتشاف و استخراج نفت و گاز در عملیات بالادستی، یا ساخت پالایشگاه‌ها، خطوط لوله، کارخانه‌های پتروشیمی، مخازن، پایانه‌های نفتی در عملیات پایین دستی، یا قراردادهای خرید و فروش نفت و گاز در عملیات تجاری منعقد می‌شود که هر کدام از این قراردادها، فرآیندهای تصویب متفاوتی دارد.

### ۱- تعریف قراردادهای نفتی

قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز در جهان دارای سابقه‌ای بیش از یکصد سال است. پس از اولین اکتشاف‌های نفت و با توجه به اهمیت یافتن مسئله انرژی در جهان، کشورهای توسعه یافته شروع به سرمایه‌گذاری در این حوزه نمودند. سرمایه‌گذاران به سمت کشورهای نفت خیز به خصوص خاورمیانه جذب شدند. از این رو اولین قراردادهای نفت و گاز شکل گرفت. بنابر قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ با (اصلاحات ۱۳۹۰)، «توافق دو یا چندجانبه بین وزارت نفت یا هر یک از شرکت‌های اصلی تابعه آن یا هر واحد عملیاتی با یک یا چند واحد عملیاتی یا اشخاص حقیقی یا حقوقی در داخل یا خارج از کشور که بر اساس قوانین موضوعه، انجام تمام یا قسمتی از عملیات بالادستی و پایین دستی و یا تجارت نفت، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمیایی، مورد تعهد قرار می‌گیرد.» منظور از قراردادهای نفتی، قراردادهایی می‌باشد که برای کشف نفت و میداین نفتی و استخراج نفت از مخازن زمینی و تولیدات تنظیم می‌شود، از یک سو ممکن است در یک قرارداد تمام عملیات نفتی با انجام مراحل کشف و تولید تمام شود و از طرف دیگر ممکن است شرکت نفتی تنها اقدام به عملیات محدودی نماید. بدین مضمون که شرکت نفتی پس از استخراج نفت باید آن را به کشور صاحب نفت تحویل دهد و دستمزد خود را دریافت نماید (کاظمی نجف آبادی، ۱۳۹۳، ۲۰).

اساساً یک قرارداد متعارف نفتی به قراردادی گفته می‌شود که بین دولت یک کشور (و یا شرکت ملی نفت آن کشور) از موضع حاکمیت با یک شرکت نفتی بین‌المللی منعقد می‌شود و با هدف اکتشاف نفت و به دنبال آن توسعه و بهره‌برداری از میدان‌های احتمالی که کشف می‌شود و عرضه محصولات تولیدی به بازار، شکل می‌گیرد و بر اساس آن هر یک از طرف‌های قراردادی تعهداتی را بر عهده می‌گیرند و متقابلاً از منافع نیز برخوردار می‌شوند (زنگنه، ۱۳۸۵، ۱۰). قراردادهای نفتی توافقنامه‌هایی

هستند که معمولاً بین یک کشور یا دولت از یک طرف و یک یا چند شرکت نفتی دولتی و یا خصوصی خارجی و یا داخلی از طرف دیگر، برای انجام تمام و یا قسمتی از عملیات نفتی از قبیل اکتشاف، توسعه، استخراج، تصفیه، فروش و... با هم تنظیم و امضاء می‌شوند. غالباً متون حقوقی قراردادهایی که به موجب آن یک شرکت خارجی با تأمین سرمایه مورد نیاز در کشورهای نفت خیز اقدام به اکتشاف یا توسعه میادین نفت می‌کنند را قرارداد بین‌المللی نفت و یا قراردادهای بین‌المللی اکتشاف و توسعه می‌نامند (امانی، ۱۳۸۹، ۷۵-۷۶).

اجرای طرح‌های صنعتی از جمله در بخش نفت و گاز ویژگی‌های متفاوتی نسبت به قراردادهای خرید کالا، محصولات تولیدی و ماشین آلات دارد. این قراردادها اغلب شامل خرید طیف کاملی از خدمات و محصولات به صورت در حال ساخت و یا کاملاً ساخته شده می‌باشد. این نوع از قراردادها تنها منحصر به خرید کالاهای ملموس نمی‌باشند، بلکه خرید خدمات، دانش فنی، فرآیند و تکنولوژی را نیز شامل می‌شود (پاکدامن، ۱۳۸۲، ۳۵).

به طور کلی مرحله انعقاد قرارداد عبارت است از فعالیت‌های مربوط به کسب حقوق قانونی جهت اکتشاف، توسعه و تولید نفت یا گاز در یک منطقه خاص، از مالک حقوق معدنی مربوطه. معمولاً در صورت توفیق‌آمیز بودن مذاکرات، شرکت نفت و گاز صاحب منافع معدنی می‌گردد. منفعت معدنی، منفعتی است که به مالک آن حق می‌دهد تا در عواید حاصل از نفت و گاز تولید شده سهم بگیرد. در کشوری همچون ایالات متحده آمریکا که مالکیت شخصی منابع نفتی امری قانونی است این حقوق قانونی از طریق انعقاد یک موافقتنامه اجاره نفت و گاز با مالک یا مالکین حقوق معدنی به دست می‌آید، اما در خارج از ایالات متحده آمریکا این حقوق قانونی از طریق انعقاد یکی از انواع قرارداد به دست می‌آید (اصغریان، ۱۳۹۱، ۲۳).

قراردادهای نفتی را می‌توان در عداد «قراردادهای دولتی» به شمار آورد. قراردادهای فوق را از آن جا که یک طرف آن را دولت تشکیل می‌دهد، قرارداد دولتی می‌نامند. در این توافقات بعضاً دولت به صورت مستقیم دخالت می‌کند، لیکن اکثراً سازمان یا مؤسسه‌ای که تحت کنترل یا تملک دولت باشد، ذیل چنین قراردادهایی را امضاء می‌نماید؛ بر این اساس به صورت مختصر باید بیان شود که قراردادهای دولتی، قراردادی ناظر بر روابط دولت با یک شخصیت خصوصی در یک فعالیت اقتصادی و

بازرگانی می‌باشد. در قراردادهای نفتی نیز مطابق ماده «۵»<sup>۲</sup> شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۵ تمدید قرارداد مجاز شمرده شده است، این بدان معنا است که قراردادهای نفتی مشمول آئین نامه‌های دولتی است و از سوی دیگر مطابق ماده «۷»<sup>۳</sup> این مصوبه در قراردادهای موضوع این تصویبنامه وزارت نفت مجاز است، دوره قرارداد را متناسب با زمان مورد نیاز اجرای طرح‌ها و حداکثر به مدت بیست سال از تاریخ شروع عملیات توسعه در نظر بگیرد. دوره مزبور متناسب با نیازهای عملیاتی و اقتصادی هر طرح تا مدت پنج سال قابل تمدید می‌باشد.

## ۲- پذیرش قانونی قراردادهای نفتی

قراردادهای خدماتی بالادستی نفت و گاز ایران به عنوان یکی از قراردادهای بین‌المللی حاکم بر عملیات‌های بالادستی اعم از اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز کشور از گذشته تاکنون در پی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تعامل با شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز بوده است، این قراردادها در پروژه‌های بالادستی صنعت نفت و گاز ایران حاوی مبانی قانونی می‌باشد که شالوده تشکیل این قراردادها را شکل می‌دهند (مصطفوی، ۱۳۸۷، ۳۶). اصول قانونی مذکور به صورتی در این قراردادها اعمال می‌شود تا منافع کارفرما و پیمانکاران بین‌المللی نفتی و یا سرمایه‌گذاران خارجی را تأمین کند، این در حالی است که اصول مذکور دارای جنبه آمره هستند که امکان عدول از آن به عنوان خطوط قرمز حاکم بر انعقاد قراردادهای خارجی در بخش بالادستی این صنعت را غیرممکن می‌سازد. این اصول عبارتند از: حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه، تعلیق تمام پرداخت‌های پیمانکار تا رفع شرایط فورس ماژور، عدم تضمین تعهدات قراردادی از سوی دولت، بانک مرکزی و بانک‌های دولتی، بازپرداخت هزینه‌ها و دستمزد پیمانکاران از محل درآمد حاصل از اجرای پروژه و اختیار

۲- ماده ۵: قراردادهای موضوع این تصویبنامه با رعایت قوانین و مقررات حاکم بر معاملات شرکت ملی نفت ایران و پس از کسب مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح قانونی در هر مورد توسط شرکت یاد شده با طرف دوم قرارداد منعقد می‌گردد.

۳- ماده ۷: در قراردادهای موضوع این تصویبنامه وزارت نفت مجاز است دوره قرارداد را متناسب با زمان مورد نیاز اجرای طرح‌ها و حداکثر به مدت بیست سال از تاریخ شروع عملیات توسعه در نظر بگیرد. دوره مزبور در صورت اجرای طرح‌های افزایش ضریب بازیافت مخازن و یا افزایش تولید (EGR EOR/IOR/IGR)، متناسب با نیازهای عملیاتی و اقتصادی هر طرح تا مدت پنج سال قابل تمدید می‌باشد. در مورد طرح‌های پیوسته اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری، دوره اکتشاف حسب مورد به دوره یاد شده قرارداد اضافه می‌گردد.

وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران در تنظیم سطح تولید.

اصل چهل و چهارم<sup>۴</sup> قانون اساسی مهم‌ترین اصل قانون اساسی در حوزه تنظیم روابط اقتصادی است چرا که به ترسیم حوزه فعالیت دولت، بخش خصوصی و تعاونی پرداخته است. در این اصل به صورت صریح و مستقیم به سرمایه‌گذاری در حوزه نفت پرداخته، اما قسمت اول آن به تعریف و ترسیم حوزه بخش دولتی می‌پردازد که می‌توان موضوع نفت را از آن استنباط کرد. از جمله مواردی که به موجب قسمت اول این اصل در انحصار بخش دولتی می‌باشد صنایع بزرگ، صنایع مادر و معادن بزرگ است. بنابراین از آن جا که صنعت نفت هم تحت عنوان صنایع بزرگ و هم صنایع مادر و هم معدن بزرگ تلقی می‌گردد، پس صرفاً در انحصار بخش دولتی می‌باشد و به موجب این اصل امکان ارائه مجوز سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه نفت منتفی است.

همچنین در اصل چهل و سوم<sup>۵</sup> قانون اساسی به یکی از سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در حوزه روابط اقتصادی به نام استقلال اقتصادی پرداخته است. از آن جا که صنعت نفت برای کشوری مثل ایران که اقتصاد آن یک اقتصاد متکی بر نفت می‌باشد، بسیار حائز اهمیت است و استقلال یا وابستگی در این صنعت مستقیماً به استقلال یا عدم استقلال اقتصادی کشور منتهی می‌گردد. در نتیجه، این اصل عیناً قابل تطبیق و اعمال بر این صنعت است. نکته‌ای که از این اصل قابل استنباط است، این که مفهوم استقلال اقتصادی یک مفهوم کلی بوده و در این اصل هیچ‌گونه ضابطه دقیق و عینی جهت تشخیص استقلال یا عدم استقلال اقتصادی کشور و از جمله صنعت نفت وجود ندارد که این امر به قوانین عادی موکول شده است. در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰

۴- نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند این‌ها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زبان جامعه نشود مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

۵- برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود: ...

مکانیسم‌ها و کنترل‌های مختلفی مقرر شده که سرمایه‌گذاری خارجی و از جمله سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت به وابستگی اقتصادی و عدم استقلال اقتصادی از طریق سلطه خارجی محقق نگردد که از جمله آن‌ها تعیین حداکثر نودوپنج درصد برای سرمایه‌گذاری خارجی در نفت خام و گاز طبیعی (اکتشاف، استخراج و انتقال) است (شپروی، ۱۳۹۱، ۴۴۸).

از دیگر اصول قانون اساسی که مرتبط با صنعت نفت می‌باشد اصل هشتم<sup>۶</sup> و یکم<sup>۷</sup> می‌باشد که به موجب آن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان ممنوع است. صنعت نفت تحت عنوان معادن تلقی و تحت شمول این اصل قرار می‌گیرد. در نتیجه، امکان انعقاد کلیه قراردادهای نفتی از جمله قراردادهای امتیازی، قراردادهای مشارکت اعم از مشارکت در سرمایه‌گذاری و تولید و قراردادهای خدمت وجود دارد، اما مشروط به این که منجر به اعطاء امتیاز به خارجیان نگردد. از اصول دیگر قانون اساسی که قابل انطباق بر صنعت نفت می‌باشد، اصل چهل و پنجم<sup>۸</sup> قانون اساسی بوده که در آن معادن از جمله نفت از مصادیق انفال و ثروت‌های عمومی تلقی گردیده و در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید.

لازم به ذکر است معمولاً در هر یک از قراردادهای نفتی با پیمانکاران خارجی، علل و موجبات فسخ یا اختتام قرارداد گنجانده می‌شود و به علت عواقب ناشی از فسخ قرارداد، هیچ کدام از طرفین قراردادهای نفتی نمی‌توانند بدون نقض عمده و اساسی تعهدات و یا وقوع فورس ماژور، نسبت به فسخ یک طرفه آن اقدام نمایند و اصل حقوقی لزوم قراردادها در این جا با شدت و حدت اجرا می‌گردد. چنانچه دولتی بدون رعایت ترتیبات قراردادی و صرفاً به دلایل داخلی خود نسبت به فسخ یک طرفه قرارداد اقدام نماید، طبق ماده «۹»<sup>۹</sup> قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ مشمول عنوان ملی کردن خواهد شد.

۶- دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.  
 ۷- انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.  
 ۸- ماده ۹: سرمایه‌گذاری خارجی مورد سلب مالکیت و ملی شدن قرار نخواهد گرفت مگر برای منافع عمومی، به موجب فرآیند قانونی، به روش غیرتبعیض‌آمیز و در مقابل پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعی آن سرمایه‌گذاری بلافاصله قبل از سلب مالکیت.



### ۳- پذیرش مالکیت نفت در قراردادهای نفتی در حقوق ایران

در حال حاضر در هیچ یک از قوانین جاری کشور مقرر صریحی مبنی بر نقطه انتقال مالکیت نفت در قراردادهای نفتی وجود ندارد و می‌توانیم این موضوع را ناشی از قراردادهای بیع متقابل به عنوان قراردادهای نفتی ایران بدانیم که در آن نفت تولیدی به فروش می‌رسد و مالکیت آن طبق قواعد حاکم بر بیع مشخص می‌شود. اما در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ به موضوع مالکیت اشاره شده و قسمت سوم بند «ت»<sup>۹</sup> ماده ۳ و در ذیل یکی از وظایف و اختیارات وزارت نفت در امور سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی، وزارت نفت را مکلف به جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی برای توسعه میادین هیدروکربنی از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن نموده است. لذا این ماده تکلیف وزارت نفت به عدم انتقال مالکیت نفت و گاز مخازن طی قرارداد است و شاید به طور ضمنی بتوان از این ماده ممنوعیت انتقال مالکیت نفت و گاز مخازن را استنباط کرد (شیروی، ۱۳۹۳، ۳۵۰).

اما در شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۵ علاوه بر موارد ضمنی، به طور صریح در بند «ث»<sup>۱۰</sup> ماده ۱۱ تصریح می‌کند که نفت، گاز یا میعانات گازی در مخزن متعلق به جمهوری اسلامی ایران و نفت، گاز یا میعانات حاصله از تولید کلاً متعلق به کارفرما می‌باشد. این مقرر از سه جهت باید مورد توجه قرار گیرد. اول این که بر اساس صریح این مصوبه، مالکیت مواد هیدروکربنی تا زمانی که در مخزن باشد، متعلق به حاکمیت است. دوم این که در این مصوبه به تعلق داشتن محصول ناشی از عملیات به شرکت ملی نفت و به بیان حقوقی تر مالکیت آن برای شرکت ملی نفت به

۹- ماده ۳: وظایف و اختیارات وزارت نفت به شرح زیر است: ت - امور سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی. ۱- تأیید طرح‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی به منظور تکمیل زنجیره تولید و ایجاد ارزش افزوده بیشتر. ۲- ایجاد سازوکار مؤثر برای جذب منابع مالی مورد نیاز داخلی و خارجی به منظور اجرای طرح‌های توسعه‌ای و حفظ و نگهداشت توان تولید با رعایت قوانین و مقررات. ۳- جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور توسعه میادین هیدروکربوری با اولویت میادین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت شده.

۱۰- ماده ۱۱: بهره‌برداری از طرح‌های قراردادهای موضوع این تصویب‌نامه مطابق بندهای زیر می‌باشد: ث- نفت، گاز یا میعانات گازی و دیگر مواد موجود در مخازن موضوع قرارداد کلاً متعلق به جمهوری اسلامی ایران و نفت، گاز یا میعانات گازی و نیز هرگونه فرآورده جانبی حاصله از تولید کلاً متعلق به کارفرما می‌باشد.

طور کامل تصریح شده است. این مقرر در راستای کلیت مصوبه هیأت دولت و بنا بر این فرض تدوین شده است که قرارداد ما نوعی قرارداد خدمت است. لذا در این مقرر نیز نقطه زمانی و مکانی خاصی برای انتقال مالکیت بر نفت برای شرکت خارجی پیش بینی نشده است. سوم این که در تقسیم درجات مختلف قوانین در یک کشور از جهت اعتبار، مصوبات از جمله مقرراتی هستند که به لحاظ اعتباری در درجه بعد از قانون عادی قرار داشته و تا جایی اعتبار دارند که مخالف آن نباشند. این مصوبه نمی‌تواند ملاک تعیین مالکیت باشد؛ چرا که با قانون عادی در تعارض است. لازم به ذکر است با تحلیل اصول حقوقی پذیرفته شده در ایران و با مراجعه به فقه امامیه که بستر اصلی قواعد آن است، شرط انتقال مالکیت از زمان عقد قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد و قابل قبول نیست (پورنبی، ۱۳۹۸، ۶۰).

بحث مالکیت منابع نفتی از چالش‌هایی در قراردادهای جدید می‌باشد و نشان دهنده این است که این منابع به طرف دوم قرارداد یا همان پیمانکار منتقل نمی‌گردد و به تعبیر حقوقی از حق عینی برخوردار نیست؛ بلکه حق پیمانکار از نوع حقوق دینی است که بر ذمه شرکت ملی نفت مستقر می‌گردد نه بر خود نفت اکتشاف و تولید شده. هزینه‌ها و دستمزدی هم که پیمانکار می‌گیرد نقدی و یا از طریق فروش بلندمدت آن است و پیمانکار مشارکتی در تقسیم نفت تولید شده ندارد. تأملی در قراردادهای نفتی مؤید آن است که کشورهای در حال توسعه سعی در تدوین قواعد و شروط قراردادی می‌نمایند که حق مالکیت شرکت خارجی بر زمین منطقه عملیاتی و به ویژه نفت و گاز مخازن محدود گردد. تلاشی که خود تبلور اعمال حاکمیت ملی بر خاک و منابع زیرزمینی بوده و امروزه نیز یادگار آن در قراردادهای نفتی وجود دارد (ایرانپور، ۱۳۸۹، ۷۰).

قراردادهای جدید نفتی به عنوان هم عرض و در راستای قرارداد بیع متقابل با هدف اکتشاف، توسعه و تولید و با نوآوری در انتقال فناوری به وجود آمد. امروزه انعقاد قراردادهای نفتی از نوع امتیازی، مشارکت در تولید و خدمت در دنیا مستلزم مالکیت نفت در چاه یا نفت مخزن نیست، چرا که در متن قرارداد به انتقال مالکیت نفت در سر چاه یا نقطه صادراتی تأکید می‌شود و طبق قوانین این کشورها یا حقوق عرفی نفت یا حقوق نفت فراملی که حاکم بر این قراردادها هستند، این شرط معتبر است. در ایران نیز می‌توان با تمهید دو مقدمه اشکالی را که ممکن است از باب مالکیت نفت وارد باشد مرتفع ساخت. مقدمه اول داشتن مقرر قانونی صریح مبنی بر عدم ایجاد حق مالکیت نسبت به نفت مخزن برای شرکت خارجی و انتقال مالکیت در سر چاه یا در نقطه صادرات است. مقدمه دوم تصریح به این موضوع در خود قرارداد است.

#### ۴- راهکارهای حفظ حاکمیت ملی و منافع در قراردادهای نفتی

در قراردادهای نفتی منعقد شده به جهات مختلف سعی در به کارگیری سازوکارهای مختلف برای رعایت و حفظ حاکمیت ملی می‌شود. نظر به این که دولت دارای حاکمیت مطلق نسبت به منابع سرزمینی بوده و این حاکمیت در چهره حاکمیت دولت نسبت به این منابع می‌باشد، تمامی عملیات اکتشاف، توسعه، تولید و استخراج نفت بدون اجازه دولت ممکن نبوده و با نظارت مستمر و دقیق دولت انجام می‌شود. بند یک ماده ۳ تصویب‌نامه در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۴ مقرر می‌دارد: «حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه دولت جمهوری اسلامی ایران از طریق وزارت نفت بر منابع و ذخایر نفت و گاز طبیعی کشور از اصول حاکم بر قراردادهای نفتی به شمار می‌آید.» در ماده ۵ شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۵ راجع به نحوه قرارداد مقرر شده که این قراردادها با رعایت قوانین و مقررات حاکم بر معاملات شرکت ملی نفت ایران و پس از کسب مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح قانونی در هر مورد توسط شرکت یاد شده با طرف یا طرف‌های قرارداد منعقد می‌گردد. از جمله وظایفی که بر عهده وزارت نفت طبق قانون محول شده است، می‌توان به قسمت سوم بند «الف»<sup>۱۱</sup> ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ اشاره کرد که آن به تعیین و بازنگری و نظارت بر حسن اجرای استانداردهای صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی با همکاری دستگاه‌های اجرائی ذیربط و صدور گواهی‌نامه‌های لازم از سوی وزارت نفت اشاره دارد.

بنابراین، سازوکارهای حفظ اصل اعمال حاکمیت در قراردادهای نفتی عبارتند از: اعمال مالکیت دولتی بر منابع نفتی، گازی، اموال و تأسیسات متعلق در قراردادهای نفتی. حاکمیت قوانین ایران بر قرارداد. وجود سازوکارهای کنترلی و نظارتی. حفظ و صیانت از مخازن (علیدادی، ۱۳۹۶، ۶۸). همچنین راهکارهای حفظ منافع ملی در قراردادهای نفتی عبارتند از: اول- انتقال فناوری و استفاده مدرن از آن در اجرای قراردادهای نفتی: فناوری به طور مساوی در جهان توزیع نشده است چرا که رشد و تحول فناوری در نقاط مشخصی از جهان که عمدتاً کشورهای توسعه یافته هستند متمرکز شده است. یکی از طرق

۱۱- ماده ۳: وظایف و اختیارات وزارت نفت به شرح زیر است: الف- امور حاکمیتی و سیاست‌گذاری. ۳- تعیین و بازنگری و نظارت بر حسن اجرای استانداردهای صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی با همکاری دستگاه‌های اجرائی ذیربط و صدور گواهی‌نامه‌های لازم.

انتقال فناوری علاوه بر نظام مهندسی معکوس و نیز تقلید فناوری، خرید فناوری از کشورهای توسعه یافته از طریق انعقاد قرارداد همه جانبه، استفاده از امکانات راه اندازی و آموزش است. نیاز به تخصص و فناوری شرکت‌های نفتی خارجی در صنعت نفت از مهم‌ترین عوامل مؤثر در گرایش به انعقاد قراردادهای خارجی است. دوم - اشتغال و آموزش کارکنان ایرانی: نوع و سطح آموزش در زمینه قراردادهای نفتی به گونه‌ای خواهد بود که امکان انتقال دانش و فناوری لازم را تسهیل و فراهم سازد و سطح دانش و مهارت‌های کارآموزان ایرانی را ارتقاء بخشد؛ به طوری که آنان بتوانند پس اتمام عملیات توسعه، مسئولیت بهره‌برداری را به طور صحیح و موفقیت آمیز به عهده بگیرند. سوم - تأمین منابع مالی از سوی سرمایه گذار (پیمانکار) و بازپرداخت غیرنقدی هزینه‌ها. چهارم - ریسک‌پذیری پیمانکار و عدم تضمین بازگشت سرمایه.

### نتیجه

قراردادهای سرمایه‌گذاری از جمله قراردادهای نفتی سرآمد و پیشرو در سایر زمینه‌های سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند و یکی از راه‌های ترغیب سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در صنعت نفت کشور بهبود شرایط قراردادهای نفتی است. لذا برای بهبود شرایط قراردادهای نفتی، ارزیابی مالی این قراردادها و مقایسه آنها با یکدیگر و نیز بررسی ریسک‌های موجود در این قراردادها و مقایسه آنها با یکدیگر لازم و ضروری به نظر می‌رسد. نوع الگوی قراردادی مورد استفاده در مراحل اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل در کسب حداکثر بهره اقتصادی از آن منابع می‌باشد، لذا انتخاب الگوی قراردادی مناسب در چهارچوب قوانین و مقررات کشور، از اهمیت و حساسیت قابل توجهی برخوردار است.

بهره‌برداری از انفال و ثروت‌های عمومی و از جمله منابع نفتی بر اساس مصالح عامه به عنوان یکی از اصول بهره‌برداری که در اصل چهل و پنجم قانون اساسی بیان گردیده است، بایستی در انعقاد قراردادهای نفتی منظور گردد. لذا لزوم نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی؛ رعایت اصول تولید صیانتی؛ اصل خودکفایی اقتصادی قرارداد و عدم تضمین دولت؛ صیانت از محیط زیست در عملیات اکتشاف؛ توسعه، تولید و محول نمودن ریسک به عهده پیمانکار برخی از اصول بهره‌برداری از منابع نفتی هستند که رعایت و لحاظ آنها در شرایط عمومی مصوب بعضاً مورد ایراد منتقدین قرار گرفته است.

با وجود اهمیت انتقال مالکیت نفت در کشور ما به نظر می‌رسد، هنوز مسئله مالکیت نفت در یک

قرارداد نفتی به شکل واضح مشخص نشده است و استناداتی که در این زمینه می‌شود، به لحاظ حقوقی قابل انتقاد می‌باشد. بنابراین باید راهکاری پیدا کرد که هم جذب سرمایه‌گذاری خارجی بالا برود و هم ممانعت قانونی نداشته باشیم.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

- اصغریان، مجتبی، ۱۳۹۱، حقوق نفت و گاز در ایالات متحده آمریکا (قراردادهای اجاره نفت و گاز)، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- امانی، مسعود، ۱۳۸۹، حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- امین زاده، الهام و نصراللهی، علی، ۱۳۹۹، تبیین ماهیت قراردادهای نفتی از دیدگاه حقوق اداری، فصلنامه مطالعات حقوق انرژی، شماره ۱.
- ایرانپور، فرهاد، ۱۳۸۹، مالکیت و مفهوم آن در قراردادهای نفتی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.
- پاکدامن، رضا، ۱۳۸۲، اصول تنظیم قراردادهای بین‌المللی پیمانکاری صنعتی، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- پورنبی، حانیه، ۱۳۹۸، مالکیت و انتقال آن در قراردادهای نفتی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی.
- زنگنه، بیژن، ۱۳۸۵، قراردادهای نفتی (مقاله مربوط به سخنرانی)، ضمیمه درس حقوق انرژی دکتر وحید در بخش مربوط به قراردادهای نفتی، کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- شکوهی، محمدرضا و سعادت زاده، احسان، ۱۴۰۰، روش‌های مقابله با چالش‌ها و ریسک‌ها در قراردادهای نفتی، ماهنامه اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۹۵.

- شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۱، حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
- شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۳، حقوق نفت و گاز، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- علی‌دادی، محمد، ۱۳۹۶، بررسی حقوقی اصول حاکم بر شرایط عمومی قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کاظمی نجف آبادی، عباس، ۱۳۹۳، آشنایی با قراردادهای نفتی، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر دانش.
- مصطفوی، سید مصطفی، ۱۳۸۷، ماهیت قراردادهای بین‌المللی نفت، فصلنامه پژوهش‌های اسلامی، شماره ۲.

## قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون نفت مصوب ۱۳۶۶
- قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰
- قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱
- شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۵